

۱۶۴- در اعتراف و تضرع به سوی خداوند ﷻ

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَوَلِيُّ الْأَحْمَدِ وَأَهْلِهِ وَمُنْتَهَاهُ وَمَحَلَّهُ، أَخْلَصَ مِنْ وَحْدِهِ وَاهْتَدَى مِنْ عِبَادِهِ، وَقَارَ مِنْ أَطَاعِهِ، وَأَمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ. اللَّهُمَّ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالثَّنَاءِ الْجَمِيلِ وَالْحَمْدِ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ مَنْ خَضَعَ لَكَ بِرَقَبَتِهِ، وَرَعَمَ لَكَ أَنْفَهُ، وَعَفَرَ لَكَ وَجْهَهُ، وَذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ، وَقَاضَتْ مِنْ خَوْفِكَ دُمُوعَهُ، وَتَرَدَّدَتْ عِبْرَتُهُ، وَاعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِهِ،

سپاس خدای را سزاوار است که سرپرست سپاس و شایسته آن و سرانجام و محل آن است، اخلاص ورزید هر که او را یگانه دانست و هدایت یافت، هر که او را پرستید، و رستگار شد هر که فرمانبردار او گردید، و ایمن گشت هر که به او پناه گرفت. خداوندا ای دارنده بخشش و شکوه و ستایش زیبا و سپاس، از تو می‌خواهم خواستن کسی که خاضعانه به درگاهت گردن نهاده، و بر خاک مالید برای تو بینی‌اش را و برای تو چهره‌اش را بر خاک کشید، و خوار کرد برای تو نفسش را و سرازیر شد از بیم تو اشک‌هایش، و مکرر گشت قطرات گریه‌اش، و اعتراف نمود برای تو به گناهانش،

وَقَضَحَتْهُ عِنْدَكَ خَطِيئَتُهُ، وَشَانَتْهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ، وَضَعَفَتْ عِنْدَ ذَلِكَ قُوَّتُهُ، وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ، وَأَنْقَطَعَتْ عَنْهُ أَسْبَابُ خَدَائِعِهِ، وَأَضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ بَاطِلٍ، وَأَلْجَأَتْهُ ذُنُوبُهُ إِلَى ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَخُضُوعِهِ لَدَيْكَ، وَابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ.

و رسوا کرد او را نزد تو خطایش، و او را زشت ساخت نزد تو گنااهش، و ناتوان شد در آن وقت نیرویش، و اندک گشت چاره‌اش، و بریده شد از او وسایل فریب‌کاری‌هایش، و از بین رفت از او هر باطلی، و گناهانش او را ناگزیر ساختند به خواری جایگاهش در برابرت، و خضوعش نزد تو و توسلش به درگاهت.

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ سُؤَالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ، وَأَرْعَبُ إِلَيْكَ كَرَعْبَتِهِ، وَأَنْضَرُعُ إِلَيْكَ كَتَضْرُعِهِ، وَأَبْتَهِلُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ ابْتِهَالِهِ. اللَّهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكَانَةَ مَنْطِقِي وَذُلَّ مَقَامِي وَمَجْلِسِي، وَخُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي. أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ، وَالْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى، وَالرُّشْدَ مِنَ الْعَوَايَةِ.

از تو می‌خواهم خداوندا، خواستن کسی که در منزلت او باشد، و به تو اشتیاق می‌ورزم همچون اشتیاقش، و تضرع می‌کنم به سوی تو همچون تضرعش، و متوسل می‌شوم به درگاهت همچون شدیدترین توسلش، خداوندا، رحم کن فروتنی کلامم و خواری جایگاهم را ایستاده باشم یا نشسته، و خضوعم را برای تو با گردنم. از تو می‌خواهم هدایت از گمراهی، و بینایی از کوری، و صلاح و درستی و به حق رسیدن از فرورفتن در نادانی و بیراهه.

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ، وَأَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَأَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ، وَالتَّسْلِيمِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ. وَأَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي طَاعَتِكَ، وَالضَّعْفَ عَنِ مَعْصِيَتِكَ، وَالْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ، وَالتَّقَرُّبَ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى، وَالتَّحَرِّيَ لِكُلِّ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي فِي إِسْخَاطِ خَلْقِكَ التَّمَاسًا لِرِضَاكَ.

و از تو می خواهم خدایا، سپاس بیشتر را هنگام آسودگی و رفاه، و نیکوترین صبر را هنگام مصیبت و برترین شکر را در جایگاه شکرگزاری، و تسلیم شدن به تو را هنگام شبهات. و از تو درخواست می کنم نیرومندی در طاعت، و ناتوانی در نافرمانی ات، و فرار به سوی تو از تو، و تقرب جستن به تو را پروردگارم تا خشنود گردی، و جستجوی هر چیزی که تو را خشنود گرداند از من، در خشمگین کردن آفریدگانت در جستجوی خرسندیت.

رَبِّ مَنْ أَرْجُوهُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي؟ أَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ أَفْصَيْتَنِي؟ أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي عَفْوُهُ إِنْ عَاقَبْتَنِي؟ أَوْ مَنْ أُوْمَلُّ عَطَايَاهُ إِنْ حَرَمْتَنِي؟ أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كِرَامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي؟ أَوْ مَنْ يَضُرُّنِي هَوَانُهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي؟ رَبِّ مَا أَسُوءَ فِعْلِي، وَأَقْبِحَ عَمَلِي، وَأَفْسَى قَلْبِي، وَأَطْوَلَ أَمَلِي، وَأَقْصَرَ أَجَلِي، وَأَجْرَانِي عَلَى عِصْيَانٍ مِنْ خَلْقِنِي!

پروردگارم، چه کسی را امیدوار باشم اگر مرا ترحم نکنی؟! یا اینکه چه کسی بر من لطف کند اگر مرا دور کنی؟ چه کسی عفو مرا سود دهد اگر تو کیفرم دهی؟! یا چه کسی را امیدوار بخشش های او باشم اگر محروم کنی؟! یا چه کسی مرا گرامی بدارد اگر تو مرا خوار بداری؟ یا چه کسی خواری اش مرا زیان دهد، اگر تو مرا گرامی بداری؟! پروردگارم، چه بد است کارم، و چه زشت است عملم، و چه سخت است دلم، و چه طولانی است آرزویم، و چه کوتاه است عمرم، و چه گستاخم بر نافرمانی کسی که مرا آفرید!

رَبِّ وَمَا أَحْسَنَ بِلَاءِكَ عِنْدِي، وَأَظْهَرَ نِعْمَاءِكَ عَلَيَّ! كَثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النِّعْمُ فَمَا أَحْصِيهَا، وَقَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطَرْتُ بِالنِّعَمِ، وَتَعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ، وَسَهَوْتُ عِنْدَ الذُّكْرِ، وَرَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ، وَجُرْتُ مِنَ الْعَدْلِ إِلَى الظُّلْمِ، وَجَاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى الْإِثْمِ، وَصِرْتُ إِلَى الْهَرَبِ مِنَ الْخَوْفِ وَالْحُزْنِ، فَمَا أَصْغَرَ حَسَنَاتِي وَأَقَلَّهَا فِي كَثْرَةِ ذُنُوبِي، وَمَا أَكْثَرَ ذُنُوبِي وَأَعْظَمَهَا عَلَى قَدْرِ صِغَرِ خَلْقِي وَضَعْفِ رُكْنِي!

پروردگارم، و چه نیکوست آزمودنت مرا، و چه آشکار است نعمت های تو بر من! فراوان گشت بر من از تو نعمت ها که قابل شمارش من نیست، و اندک شد از من سپاسگزاری در آنچه به من داده ای، پس سرمست شدم به نعمت ها و خود را در معرض انتقام و عقوبت قرار دادم، و هنگام ذکر، فراموشی به من دست داد، و مرتکب نادانی شدم پس از آگاهی و از عدل به سوی ظلم گذشتم، و از نیکی به سوی گناه رفتم. و به فرار پای گذاشتم، از ترس و

اندوه، پس چه کوچک اند نیکی‌هایم و چه اندک اند در برابر فراوانی گناهانم، و چه بسیارند گناهانم، و چه عظیم هستند با وجود کوچکی خلقتم و ناتوانی قدرتم!

رَبِّ وَمَا أَطْوَلَ أَمَلِي فِي قِصْرِ أَجَلِي، وَأَقْصَرَ أَجَلِي فِي بَعْدِ أَمَلِي، وَمَا أَقْبَحَ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي! رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ أَحْتَجَجْتُ، وَلَا عُذْرَ لِي إِنْ اعْتَذَرْتُ، وَلَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ ابْتَلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى شُكْرِ مَا أَوْلَيْتَ. رَبِّ مَا أَخَفَّ مِيزَانِي غَدًا إِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ، وَأَزَلَّ لِسَانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ! وَأَسْوَدَ وَجْهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ!

پروردگارم و چه طولانی است آرزویم با وجود کوتاهی عمرم، و چه کوتاه است عمرم در برابر آرزوی دورم! و چه زشت است پنهان و آشکارم! پروردگارم مرا حجتی نیست اگر احتجاج کنم، و مرا عذری نیست اگر عذرخواهی کنم، نیست سپاسی نزد من اگر نعمت دهی و عطا کنی اگر مرا یاری نمایی بر سپاسگزاری آنچه به من احسان نموده‌ای. پروردگارم، چه سبک خواهد بود میزان عملم در فردای قیامت اگر آن را برتری ندهی! و چه لغزش کار است زبانم اگر ثباتش ندهی! و چه سیاه است رویم اگر سفیدش نگردانی!

رَبِّ كَيْفَ لِي بِذُنُوبِي الَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي قَدْ هَدَّتْ لَهَا أَرْكَانِي. رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَأَبْكِي عَلَى حَبِيَّتِي فِيهَا، وَلَا أَبْكِي عَلَى نَفْسِي وَتَشْتَدُّ حَسْرَاتِي عَلَى عِصْيَانِي وَتَفْرِيطِي. رَبِّ دَعْتَنِي دَوَاعِيَ الدُّنْيَا فَأَجَبْتُهَا سَرِيعًا، وَرَكَعْتُ إِلَيْهَا طَائِعًا، وَدَعْتَنِي دَوَاعِيَ الْآخِرَةِ فَتَنَبَّطْتُ عَنْهَا، وَأَبْطَأْتُ فِي الْإِجَابَةِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَيْهَا، كَمَا سَارَعْتُ إِلَى دَوَاعِيَ الدُّنْيَا وَحُطَامِهَا الْهَامِدِ، وَهَشِيمِهَا الْبَائِدِ وَسَرَابِهَا الدَّاهِبِ.

پروردگارا چه کنم با گناهان گذشته‌ام که پایه‌های مرا ویران نموده است. پروردگارا چگونه شهوت‌های دنیا را می‌طلبم و بر ناکامی‌ام در مورد آنها می‌گریم، ولی بر خود نمی‌گریم، و افسوس خوردنم بر نافرمانی و کوتاهی نمودنم شدید نمی‌گردد! پروردگارم، انگیزه‌های دنیا مرا فراخواندند و آنها را شتابان اجابت نمودم و به سوی‌شان از روی میل رفتم، و فراخوان‌های آخرت مرا فراخواندند پس در برابر آنها سنگین گشتم، و دیر کردم در اجابت و شتافتن به سوی آنها، آنگونه که به سوی فراخوان‌های دنیا و توشه نیست شونده‌اش، و دارایی ناچیز تباه شونده و سراب از بین رونده‌اش شتافتم.

رَبِّ خَوْفَتَنِي وَشَوْفَتَنِي، وَاحْتَجَجْتُ عَلَى بَرَقِي، وَكَفَلْتُ لِي بِرِزْقِي، فَأَمِنْتُ خَوْفَكَ، وَتَنَبَّطْتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ، وَلَمْ أَتَكَلَّ عَلَى ضَمَانِكَ، وَتَهَاوَنْتُ بِإِحْتِجَاجِكَ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَوْفًا وَحَوْلًا تَنَبَّطِي شَوْقًا وَتَهَاوُونِي بِحُجَّتِكَ فَرَقًا مِنْكَ، ثُمَّ رَضْنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ رِزْقِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ رِضَاكَ عِنْدَ السَّخْطَةِ، وَالْفُرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ، وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ، وَالْبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشْبِهِ الْفِتْنَةِ.

پروردگارم مرا ترساندی و تشویق نمودی، احتجاج کردی بر من به برده بودنم، و روزی‌ام را بر عهده خویش پذیرفتی، پس از ترس تو ایمن شدم، و در برابر تشویق سنگینی روا داشتم، و به ضمانت متکی نشدم، و حجت گرفتنت را سست شمردم. خداوندا پس ایمنی من از تو را در این دنیا ترس قرار ده، و سنگینی کردنم را به اشتیاق تبدیل کن، و سست شمردنم حجت را هراسی از تو قرار ده، و آنگاه مرا خرسند ساز به آنچه برایم از روزی‌ات قسمت نموده‌ای ای بزرگواری بزرگواری. از تو به نام عظیمت درخواست می‌کنم خشنودی‌ات را هنگام خشم، و گشایش را هنگام سختی و اندوه، و نور را هنگام تاریکی، و بینایی را هنگام شبهات فتنه.

رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتِي مِنْ خَطَايَا حَصِينَةً، وَدَرَجَاتِي فِي الْجَنَانِ رَفِيعَةً، وَأَعْمَالِي كُلَّهَا مُتَقَبَّلَةً، وَحَسَنَاتِي مُضَاعَفَةً زَاكِيَةً،
وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَمِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَعْلَمُ، وَمِنْ شَرِّ مَا
لَا أَعْلَمُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ، وَالْجَفَاءَ بِالْحِلْمِ، وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ، وَالْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ، وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ،
وَالْهُدَىٰ بِالضَّلَالَةِ، وَالْكَفْرَ بِالْإِيمَانِ، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

پروردگارا، سپر بازدارنده‌ام از خطاهایم را استوار ساز، و درجات مرا در بهشت بلند فرما، و اعمالم همه را پذیرفته شده، و حسناتم را مضاعف و پاک گشته قرار بده، به تو پناه می‌برم از همه فتنه‌ها آنچه از آنها آشکار باشد و آنچه پنهان است، و از رفعت در خوردنی و نوشیدنی، و از شر آنچه می‌دانم و از شر آنچه نمی‌دانم، و به تو پناه می‌برم از اینکه بخرم جهل را با علم، و جفاکاری را با بردباری و ستم را با عدالت و قطع نمودن دوستی‌ها و خویشی‌ها را با شکیبایی، و هدایت را با گمراهی و کفر را با ایمان، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.